

شیراز !

هر صبحدم که تازه گلی باز می شود !
جام دلم، پر از می شیراز می شود !

در سینه ام شکفته شود غنچه امید
هر لحظه دیده ام به رخت باز می شود !

دیو سکوت شیشه عمرش خورد به سنگ
از نو فضای خانه پر آواز می شود !

ایام رنج و دریدری می رسد به سر
فصل نوی به زندگی آغاز می شود !

در باغ دل دوباره بروید گل نوید
اسباب عیش هر طرفی ساز می شود !

مرغ هوس که کنج قفس از نفس فتاد
در آسمان شوق، به پرواز می شود !

خاکی که زیر پای ستوران به خون تپید
بار دگر عزیز و سرافراز می شود !

رضا شاپوریان
سه شنبه ۳۱ مارچ ۱۹۹۸